# نماز



## مقدمه (نماز چیست؟)

این ایستادن و خم شدن، این نشستن و به خاک افتادن، وبا هر یک کلماتی گفتن، چه معنی دارد؟

## نیایش و پرستش

در آن لحظه که آدمی به کمال و شکوه بی نهایت و شکوه آفریدگار جهان می اندیشد، سراپا شیفته ی آن می شود، دل و جانش یه خضوع وخشوع و فروتنی می گراید با آهنگ فطرت در برابر آن همه کمال و عظمت سر تعظیم فرود می آورد، (رکوع)،

سر به زمین می ساید، (سجده )،

و زبان به ستایش می گشاید، (حمد و تسبیح).

## راز و نیاز

در آن لحظه انسان نیازمند کمک یک نیروی برتر از خود می گردد دست نیاز به سوی خداوند دانا و توانا می برد و همه ی راز و نیازهای خود را با او در میان می گذارد ، (دعا).

## عبادت

آن نیایش و پرستش و این راز و نیاز و کمک خواهی در زبان قرآن «عبادت» نامیده می شود.

قرآن عبادت را مخصوص خدای یکتا می شمرد و پرستش هر کس و هرچیز دیگر جز خدا را حرام و گناهی بس بزرگ می داند:

«فرمان خدا بر آن رفته که جز او را نپرستید...» اسراء ،23

## نماز

نماز مراسم مخصوص برای پرستش خدا و راز و نیاز با اوست که در آن جنبه های ارزنده و آموزنده ی خاصی در

نظر گرفته شده و به همین جهت شکل مخصوص به خود گرفته است.

نماز سرود توحید و یکتا پرستی و سرود فضیلت و پاکی است که باید فکر و روح ما را در برابر عوامل شرک زا و آلوده کننده ای که در زندگی روزمره با آنها سر و کار داریم پاک و یکتا پرست نگهدارد. منظور از آلوده کننده ای که در زندگی سرو کار داریم : همان آلودگی روح است که این آلودگی روح را تیره می کند و ما را از راه راست زندگی راه پاکی و فضیلت و تقوا ؛ منخرف می سازد و به راه فساد می کشاند ، از یاد خدا غافل می کند و به دام شیطان و وسوسه های شیطانی می افکند.پس همان طور که ما روزانه لباس، تن و ... خود را می شوییم و پاکیزه می گردانیم باید روح خود را نیز پاک و پاکیزه گردانیم ، لحظاتی به یاد معبود خود باشیم ، دست نیایش به او دراز کنیم و روح آلوده ی حود را در چشمه ی صاف و زلال الهی شستشو دهیم . «نماز بخوانیم ».

## شستشو ی دل و جان

پس همان گونه که بدن و لباس خود را پاکیزه می کنیم باید دل و جان خود رانیز پاک گردانیم . از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نقل شده که در گفتگویی کوتاه با یاران خود چنین فرمود: فرض کنید در برابر خانه ی یکی از شما نهری روان باشد و هر روز در آن پنج بار شستشو کند. آیا به تن او هیچ آلودگی می ماند؟

نه ، این شستشو به تن او هیچ آلودگی می گذارد.

نماز های پنجگانه هم همین اثر را دارد با پنج نماز در روز خدا لغزش ها را از آدمی  می زداید و او را پاکیزه می کند.

## نماز های روزانه

1. صبح : پس از سپیده ی صبح
2. ظهر : نیمروز
3. عصر : تقریبا 2 تا 3 ساعت بعدازظهر
4. مغرب : پس از غروب آفتاب
5. عشاء :شامگاه که هوا تاریک می شود.

اینها ازاوقات اصلی نمازند و چه بهتر که نماز در همین اوقات خوانده شود.

نماز صبح : از سپیده ی صبح تا طلوع آفتاب

نماز ظهر : از نیمروز تا غروب

نماز عصر : پس از نماز ظهر تا غروب آفتاب

نماز مغرب : از مغرب تا نیمه ی شب

نماز عشاء : پس از مغرب تا نیمه ی شب.

و فرا رسیدن وقت هر نماز با اذان اعلام می شود وبا آهنگ اذان ، نمازگزار خود را برای نماز آماده می کند و به محل نماز می آید چه به صورت جمعی و چه به صورت فرادا. و بعد وضومی گیریم این شستشو باید با نیتی پاک و برای خدا باشد.بعد به سوی خانه ی خدا (کعبه) ایستاده و با دلی پاک نماز می خوانیم تا خداوند ما را از بهشتیان قراردهد.

## چرا نماز می خوانیم ؟

نماز از ارکان عبادات حق است ، بنابراین اول باید بدانیم چرا خداوند را عبادت می کنیم تا آنگاه فلسفه نماز نیز روشن گردد. یکی از پایدارترین و قدیمی ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل ترین ابعاد وجود آدمی ، حس نیایش و پرستش است ، هر زمان و مکانی که بشر وجود داشته است ، نیایش و پرستش نیز وجود داشته است . پیامبران پرستش را نیاوردند و ابتکار نکردند ، بلکه نوع پرستش را یعنی نوع آداب و اعمالی که باید پرستش به آن

شکل صورت گیرد به بشر آموختند . احساس نیایش ، احساس و نیاز غریزی است به کمالی برتر که در او نقصی نیست و جمالی که در آن زشتی وجود ندارد ، انسان در حال پرستش از وجود محدود خویش می خواهد پرواز کند و به حقیقتی پیوند یابد که در آنجا نقص و کاستی و فنا و محدویت وجود ندارد و به قول –اینشتاین – دانشمند بزرگ عصر ما : در این حال فرد به کوچکی آمال و اهداف بشری پی می برد و عظمت و جلالی را که در ماورای امور و پدیده ها در طبیعت و افکار تظاهر می نماید حس می کند . لذاپرستش جزء غرائز ذاتی و فطری بشر است ، یعنی بشر فطرتا گرایش دارد که یک چیز را تقدیس و تنزیه کند و خویشتن را به او نزدیک کند پیام قرآن این است که ای انسان ! رب خود ،پروردگار خود ،صاحب اختیار خودت را بپرست . الذی خلقکم و الذین من قبلکم : کسی که شما و گذشتگان شما را آفریده است . پرستش نوعی رابطه خاضعانه و ستایشگرانه و سپاسگرانه است که انسان با خدای خود برقرار می کند . عبادت و پرستش علاوه براینکه نیاز فطری بشر است ، راز آفرینش انسان نیز عبادت است و ماخلقت الجن و الانس الا لیعبدون (همانا جن و انس را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا پرستش کنند ) عبادت یک پیمان الهی است که انسان در روز ازل با خدای خود پیمان عبودیت بسته است الم اعهدالیکم یا بنی ان لاتعبد و الشیطان انه لکم عدو مبین ،و ان اعبدونی هذا صراط مستقیم . (ای بنی آدم ، آیا من با شما پیمان نبستم که شیطان را پرستش نکنید و مرا پرستش کنید که راه راست است و شما را به سعادت می رساند .) عبادت ماموریت انسان است .

وما امروا الا لیعبدوا الله مخلصین له الدین ....؟ ( آیا مامور نشدید که فقط خدا را خالصانه پرستش کنید ) اکنون که روشن شد عبادت و پرستش از غرایز ذاتی و از نیازهای فطری انسان است جایگاه نماز در پرستش و عبودیت روشن

می شود : نماز عالی ترین تجلی پرستش و عبادت است ، زیرا پرستش یا قولی است یا عملی . و نماز هر دو را در بر دارد چون اذکار نماز مانند قرائت حمد و سوره ، ذکر رکوع و سجود و تشهد عبادت قولی است و قیام و رکوع و سجود عبادت عملی است نماز رفیع ترین و با اهمیت ترین جایگاه را در عبادات دارد و در راس آنها می باشد نماز منبع تغذیه روح انسان وامداد الهی است انسان با نماز می تواند قوت بگیرد و انرژی در جهت نیل به کمالات حاصل کند . واستعینوا و بالصبر الصلاه.... (از نماز استمداد کنید ...) کسی که می خواهد یک مسلمان واقعی و مجاهد نیرومند باشد باید نماز خوان خالص و مخلص باشد علی (علیه السلام) در آخرین وصایایش که در واپسین لحظات عمر آن حضرت بود فرمود: الله الله فی الصلوه فانها عمود دینکم : ( خدا را خدا را ، درباره نماز که نماز استوانه خیمه دین شماست امام صادق(علیه السلام) در آخرین نفس های عمر با برکت خویش فرمودند : لن تنال شفاعتنا مستخفا بالصلاه (هرگز شفاعت ما به مردمی که نماز را سبک بشمارند، خواهد رسید ) . نماز بنیان اعتقادی انسان را به مبداء و معاد تقویت می کند . از حضرت علی (علیه السلام) سئوال شد : چرا ما دوبار سجده می کنیم . امیر مومنان (علیه السلام) این آیه را خواند : منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تاره اخری . یعنی سجده یاد آور قیامت و صحنه محشر و مبعوث شدن انسان است .

شخصی از امام صادق (علیه السلام) پرسید : برترین چیزهایی که بندگان با آن به پروردگارشان تقرب می جویند و نزدیک می شوند چیست ، حضرت فرمودند : بعد از معرفت و شناخت (خداوند متعال ) من بهتر از نماز نمی دانم . و همین اهمیت نماز است که نسبت به کوتاهی به آن شدیدا نهی شده است از رسول اکرم (صلی الله علیه

وآله) روایت شده که فرمود: مبادا  نماز خود را ضایع سازید ، زیرا هرکس که نماز خود را ضایع نماید خدا او را با قارون و فرعون و هامان محشور نماید ، و برخدا حق است که او را با منافقان در آتش افکند ، پس وای برکسی که بر نماز خود مواظبت و نگهبانی ننماید .

خداوند به عبادت ما و هیچ موجود دیگر نیاز ندارد ، زیرا « فان الله غنی عن العالمین» (1) خداوند از تمام جهانیان بی نیاز است . این بندگان هستند که به خداوند نیاز دارند . «یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله والله هو الغنی الحمید» (2)ای انسان ها شما نیازمند به خداوند هستید و خداوند بی نیاز و ستوده است. بنابراین عبودیت و پرستش یکی از نیازهای انسان است. تمامی انسان ها از ابتدا تا کنون به شکلی پرستش داشته اند. روح انسان نیاز به عبادت و پرستش دارد. پرستش و ستایش علاوه بر پر کردن خلأ تنهائی وجود انسان ، وبر آورده شدن نیاز انسان و بجا آوردن مراتب سپاس و شکر گزاری ، موجب تکامل انسانی و رسیدن به مقام قرب الهی می شود و هیچ چیزی نمی تواندجای آن را پرکند.
دانشمندان گفته اند: برای رسیدن به عرفان الهی و شناخت خود و خدا مراحلی باید طی شود. مرحلة اوّل، شریعت است. برای پیمودن این مرحله باید به سراغ عبادت پروردگار رفت و با استعانت و کمک از عبادت وارد مرحلة دوم یعنی طریقت شد، آن گاه از طریقت عبور کرده و به حقیقت پیوست که پیوستن قطره به دریا است.
اکنون می خواهیم این شبهه را پاسخ بگوییم که آیا: چیزی برتر و موثرتر از نماز در این مسیر وجود دارد؟ یا بهترین شکل و بهترین وسیله و نردبان برای رسیدن به «حقیقت» نماز است؟
هر کدام از مکتب ها و آیین ها اَشکالی برای عبادت دارند امّا همه به دنبال پرستش و عبادت‌اند، حتی موجودات دیگر نیز به عبادت و پرستش مشغولند. قرآن می‌فرماید: «کلّ قد علم صلوته و تسبیحه؛(3)تمامی موجودات نماز و تسبیح خدا را می دانند». در جای دیگر می‌فرماید: «إنْ مِن شیء إلاّ یسبّح بحمده و لکن لا تفقهون تسبیحهم؛(4) هر موجودی با حمد، خدا را تسبیح می‌گوید، لیکن شما تسبیح آنان را نمی فهمید».
از منابع و مآخذ اسلامی به دست می آید که برای رسیدن به حق و شاداب کردن روح عرفانی انسان، هیچ راهی بهتر از نماز یافت نمی شود. برای روح انسان شیفته هیچ غذایی سازگارتر و سرشارتر از نماز وجود ندارد، زیرا چه کسی بهتر از خداوند (که برای رسیدن به هر هدفی، ترکیب راه خاصی را مشخص فرموده است) می‌تواند مَرْکب و معجونی برای رشد و ارتقای انسان ها پدید آورد؟
با مروری بر آیات و روایات در می یابیم که این معجون شفا بخش نماز است که اسلام آن را وسیله تقرّب به خدا می‌داند (الصلوه قربان کل تقیّ).(5) نماز موجب تقرب هر انسان پرهیزکاری است.

هشام بن حکم از امام صادق(علیه السلام) پرسید: چرا نماز واجب شد، در حالی که هم وقت می گیرد و هم انسان را به زحمت می اندازد؟ امام فرمود: «پیامبرانی آمدند و مردم را به آیین خود دعوت نمودند. عده ای هم دین آنان را پذیرفتند، امّا با مرگ آن پیامبران، نام و دین و یاد آن‌ها از میان رفت. خداوند اراده فرمود که اسلام و نام پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله ) زنده بماند و این از طریق نماز امکان پذیر است»(6)یعنی علاوه بر آن که

نماز عبادت پروردگار است، موجب طراوت مکتب و احیای دین هم هست.
بله همواره به یاد خداوند بودن بسیار عالی و ارزشمند است ، اما آیا چنین کسی را سراغ دارید ؟
کدام انسان را می یابید که با این همه چیزهائی که انسان را در این دنیا به خود مشغول داشته و با این همه عواملی که موجب غفلت و بی خبری می شوند ، همواره به یاد خدا باشند؟
و آیا نماز چیزی جز برای یاد آوری انسان ها و بیرون آوردن از غفلت است؟
راستی اگر برای ارتباط با خدا نیازی به نماز نبود، نبایستی پیامبر با آن همه فضائل و کمالات آن قدر نماز بخواند که پاهایش متورم شود یا امیرالمؤمنین(علیه السلام) و سایر امامان به نماز این همه اهمیت بدهند.
آیا کسی برتر و بیشتر از پیشوایان دینی ما با خداوند رابطه قلبی داشته است؟ ایا اگر بخواهیم کسی را مثال بزنیم که همواره به یاد خدا بوده است ، این شخص جز پیامبر اسلام و امامان معصوم بودند؟
آیا مقامی که امیرمومنان به آن دست یافته بود ، به گونه ای که فرمود اگر تمام پرده ها کنار رود بر یقین و ایمان من افزوده نمی شود ، کسی برتر از آن دست یافته است؟
پس چگونه چنین انسان هایی نه تنها خود را بی نیاز از نماز و ارتباط با خدا نمی دانستند ، بلکه شبانه روز به نماز می ایستادند و نه تنها نماز های واجب ، بلکه حتی نماز های مستحب داشتند که بنابر بر نقل روایات گاهی تا هزار رکعت می رسید.
هم چنین نماز رابطه بنده با خداست و طبیعی است که بنده آن را به جا می آورد که خواسته خداوند و معبود اوست و اصولاهدف اصلی از خلقت انسان بندگی است و نماز بهترین شیوه اظهار بندگی است و اگر قرار باشد که هر انسانی بر طبق خواسته خود عمل نماید نه آن چیزی که خداوند از او خواسته ، این دیگر بندگی خداوند نمی شود ، بلکه بندگی خود و عمل بر طبق خواسته خود است.
مطمئنا این فکر که رابطه قلبی انسان را بی نیاز از نماز می کند ، چیزی جز وسوسه شیطانی برای دور کردن انسان از خدا نیست. چون خدا راه نماز را برای ایجاد رابطه بنده با او و بیرون آمدن انسان ها از غفلت و شستوی جسم و جان قرار داده قرار داده و فرموده است که «اقم الصلوة لذکری» نماز را برای یاد من برپا دار.(7) پس آیا درک من از خدا بیشتر است؟!
در فرهنگ اسلامی تعیین کردن و مشخص نمودن شکل عبادت، با شارع مقدس است و کسی نمی تواند عبادتی اختراع کند. اگر کسی وِرْد و دعایی را به عنوان عبادت پدید آورد، از مصادیق روشن بدعت و تشریع است که کار حرامی است، زیرا امور عبادی را همان گونه که از طرف شارع مقدّس بیان شده است، باید انجام داد، نه کمتر و نه بیشتر.
آن کس که تشنگی و گرسنگی را در ما آفرید ، غذا و آب را نیز خود فراهم آورده است و آن کس که نیاز به عبودیت و پرستش را در ما قرار داد ، هم او پاسخ نماز و دعا راز و نیاز را برایمان مقرر داشته است. . قرآن مجید نماز را مظهر ذکرو ذکر را آرام بخش دل ها می داند.(8)
آنچه زیبایی و حُسن و خیر است، در نماز سفره ای است گسترده که خداوند آن را در پنج نوبت در شبانه روز برای بندگانش باز می‌کند و بر سر این سفره انواع و اقسام غذاهای لذیذ وجوددارد و هر کس مطابق ذوق و سلیقة و به اندازه توان و مرتبه وجودی و استعداد خود از آن بهره مند می‌شود. نماز عبادتی جامع است که می تواند تمام وجود انسان (از جهات بدنی و ظاهری گرفته تا جهات ذهنی و قلبی و باطنی) را در خدمت بندگی و پرستش قرار دهد. نیت خوب داشتن به تنهایی نمی تواند انسان را از انجام عبادت و نماز بی نیاز کند.

شکل نماز هم قشنگ است، هم معارف بلند اسلامی در آن وجود دارد، هم تسبیح و تقدیس لفظی است و هم تقدیس عملی می‌باشد. رکوع و سجود و تسبیح و تحمید و دعا و تکبیر و سلام و خلاصه همهٔ زیبایی ها در نماز است. با این همه اگر نماز به طور صحیح و کامل با حفظ شرایط و آداب خوانده شود، جلوی بسیاری از مفاسد اجتماعی را می گیرد: «إنّ الصلاة تنهی عن الفحشاء والمنکر و لذکرالله اکبر(9) نماز اگر با مقدمات و تعقیبات همراه باشد، انسان را به اوج معنویت می‌رساند. اذان با آن محتوای زیبا دل را می نوازد. نماز جماعت مخصوصاً در مساجد بزرگ مانند

مسجد الحرام و مسجد النّبی(ص) زیباترین جلوهٔ عبادت و همدلی و یکرنگی و صفا و صمیمیت است.
پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: «نماز نور چشم من است(10)

## نماز حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

روایت شده:حضرت فاطمه علیها السّلام دو رکعت نماز می خواند که جبرئیل به ایشان تعلیم داده بود آن حضرت در رکعت اوّل پس از سوره »حمد«صدر مرتبه سوره«قدر»و در رکعت دوّم بعد از سوره«حمد»صد مرتبه سوره«توحید»را قرائت می کردند،و چون سلام می دادند این دعا را می‌خواند:
سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَ الْجَمَالَ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَ الْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا لا هَكَذَا غَيْرُهُ
پاك و منزّه است آن خدایی که دارای شکوه افراشته و بلند است،پاك و منزّه است خدایی که صاحب شوکت والا و بزرگ است،پاك و منزّه است خدایی که دارنده فرمانروایی پر افتخار دیرینه است،پاك و منزّه است آن‌که لباس خرّمی و زیبایی به بر دارد،پاك و منزّه است آن‌که در پوششی از نور وقار است،پاك و منزّه است آن‌که ردّپای مورچه را بر سنگ سخت می‌بیند، پاك و منزّه است آن‌که خطّ سیر پرنده را در هوا می‌بیند،پاك و منزّه است آن‌که او چنین است و جز او چنین نیست.
سیّد ابن طاووس فرموده:در روایت دیگری وارد شده که پس از این نماز تسبیح مشهور حضرت زهرا علیها السّلام را که بعد از هر نماز خوانده می‌شود بخوانند،و پس از آن صد مرتبه صلوات بر محمّد و خاندان او فرستند.و شیخ د رکتاب«مصباح المتهجّدین»فرموده است:نماز حضرت فاطمه علیها السّلام دو رکعت است،در رکعت اوّل سوره«حمد»و صد مرتبه سوره«قدر»و در رکعت دوّم سوره«حمد»و صد مرتبه«توحید»خوانده شود،و چون سلام داده شد تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام را بخوانند،آنگاه دعای«سبحان ذی العزّ الشامخ»را تا آخر قرائت کنند.و شیخ فرموده:کسی‌که این نماز را بجای آورد،چون از تسبیح فارغ شود زانوها و دستان خود را تا آرنج برهنه نماید و

همه مواضع سجود خود را بدون مانع و حایل به زمین بچسپاند و از خدا حاجت بخواهد،و به هر کیفیتی که دوست دارد دعا کند،و در همان حال سجده بگوید:

يَا مَنْ لَيْسَ غَيْرَهُ رَبٌّ يُدْعَى يَا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ إِلَهٌ يُخْشَى يَا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ مَلِكٌ يُتَّقَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُرْشَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُغْشَى يَا مَنْ لا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ السُّؤَالِ إِلا كَرَما وَ جُودا وَ عَلَى كَثْرَةِ الذُّنُوبِ إِلا عَفْوا وَ صَفْحا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا

ای آن‌که جز او پروردگاری نیست که خوانده شود،ای آن‌که ورای او معبودی نیست که او پروا شود!ای آن‌که جز او فرمانروایی نیست که از او پرهیز شود!ای آن‌که او را وزیری نیست که به او روی آرند!ای آن‌که او را نگهبانی نیست تا به او رشوه داده شود!ای آنکه او را دربانی نیست تا به وسیله او به درگاهش آیند!ای آن‌که بر اثر بسیاری درخواست،جز کرم و جود،و بر اثر کثرت گناهان جز عفو،و گذشت نیفزاید،بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و با من چنین و چنان کن.

و به جای»کذا و کذا«حاجات خویش را از خدا بخواهد. نماز دیگر از حضرت فاطمه علیها السّلام:شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس از صفوان روایت کرده‌اند که محمّد بن علی حلبی روز جمعه، خدمت امام صادق علیه السّلام شرفیاب شد و عرضه داشت:علاقمندم به من عملی بیاموزی که بهترین کارها در روز جمعه باشد حضرت فرمود:من کسی را که برای رسول خدا عزیزتر از حضرت فاطمه باشد سراغ ندارم،و چیزی را برتر از آنچه پیامبر به فاطمه آموخت،نمی‌شناسم،پیامبر به دخترش فرمود:هرکه صبح جمعه را دریابد،غسل کند و قدمهایش را بگسترد و چهار رکعت نماز)دو نماز دو رکعتی(بگذارد.در رکعت اوّل پس از سوره«حمد»پنجاه مرتبه سوره«توحید»و در رکعت دوم، پس از سوره«حمد»پنجاه مرتبه سوره«و العادیات»و در رکعت سوّم پس از«حمد»پنجاه مرتبه سوره «اذا زلزلت» و در رکعت چهارم پس از سوره«حمد»پنجاه مرتبه سوره «اذا جاء نصر اللّه...» که مراد از این سوره سوره مبارکه نصر است یعنی آخرین سوره‌ای که نازل شده است.و چون از نماز فارغ شوند،این دعا را بخوانند:

إِلَهِي وَ سَيِّدِي مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّى أَوْ أَعَدَّ أَوِ اسْتَعَدَّ لِوِفَادَةِ مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ فَوَائِدِهِ وَ نَائِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ وَ جَوَائِزِهِ فَإِلَيْكَ يَا إِلَهِي كَانَتْ تَهْيِئَتِي وَ تَعْبِئَتِي وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ فَوَائِدِكَ وَ مَعْرُوفِكَ وَ نَائِلِكَ وَ جَوَائِزِكَ فَلا تُخَيِّبْنِي مِنْ ذَلِكَ يَا مَنْ

لا تَخِيبُ عَلَيْهِ مَسْأَلَةُ السَّائِلِ وَ لا تَنْقُصُهُ عَطِيَّةُ نَائِلٍ فَإِنِّي لَمْ آتِكَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَ لا شَفَاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِشَفَاعَتِهِ إِلا مُحَمَّدا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ،

ای معبود و سرور من!اگر دیگران به امید رسیدن به عطا و مواهب وجود و بخششها و هدایا آماده و مهیّا و مجّهز و مستعد ورود بر آفریده‌ای چون خو شده‌اند،پس خدایا!آمادگی و مجهّز بودن و مهیّا بودن و استعداد من به امید دستیابی به بهره‌ها و نیکی و عطایا و هدایا تو تنها به سوی توست،پس مرا از این همه ناامید مساز،ای آن‌که خواهش هیچ نیازمندی از او بی ثمر نماند،و بخشش بخشنده‌ای از او نکاهد! من با کردار شایسته‌ای که پیش فرستاده باشم به پیشگاه تو نیامده‌ام،و با یاری آفریده‌ای که به او امید بسته باشم و با آن به تو تقرب جویم، به درگاهت بار نیافتم جز به امید شفاعت محمّد و خاندان او که درود تو بر او و بر ایشان باد،

أَتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عُدْتَ بِهِ عَلَى الْخَطَّائِينَ عِنْدَ عُكُوفِهِمْ عَلَى الْمَحَارِمِ فَلَمْ يَمْنَعْكَ طُولُ عُكُوفِهِمْ عَلَى الْمَحَارِمِ أَنْ جُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالْمَغْفِرَةِ وَ أَنْتَ سَيِّدِي الْعَوَّادُ بِالنَّعْمَاءِ وَ أَنَا الْعَوَّادُ بِالْخَطَاءِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِيَ الْعَظِيمَ فَإِنَّهُ لا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلا الْعَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ

در حالی به نزد تو آمدم که گذشت کریمانه‌ات را امید دارم،گذشتی که به آن بر خطاکاران در حال پافشاری بر گناهان است،پس مداومت آنان بر کارهای حرام تو را از اینکه آمرزشت را بر آنان ارزانی داری باز نداشت،و تو ای سرور من!بسیار بر نعمت بخشی بازگردی و من بر خطا کاری،به حق محمّد و خاندان پاکش از تو می‌خواهم،که گناه بزرگ‌ام را بیامرزی،زیرا گناه بزرگ را جز آمرزگار بزرگ نیامرزد؛ای بزرگ!ای بزرگ!ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ!ای بزرگ!

مؤلف گوید:سید ابن طاووس در کتاب«جمال الاسبوع»[زیبایی ایّام هفته]برای هر یك از امامان علیهم السّلام نمازهای به همراه دعا ذکر نموده که شایسته است در اینجا بیان شود.

پی نوشت ها:

1. آل عمران (3) آیه 97
2. فاطر (35) آیه 15
3. نور (24) آیه 41.
4. اسراء (17) آیة 44.
5. بحارالانوار، ج 78، ص 203.
6. غلامعلی نعیم آبادی، نماز زیباترین الگوییپرستش، ص 35، به نقل از علل الشرایع، ج 2، ص 10.
7. طه (20) آیة 14.
8. رعد (13) آیة 28
9. عنکبوت (29) آیة 45.
10. بحارالانوار، ج 73، ص 141.